

پیدایش حجاب

آغاز و پیدایش حجاب و پوشش مربوط می‌شود به دوران زندگانی حضرت آدم و حوا علیهم السلام. هنگامی که آن دو بزرگوار مرتکب آن خطا شدند و از درختی که خداوند میوه‌اش را ممنوع نموده بود تناول کردند. «قَلَمًا ذَاتَا الشَّجَرَةِ بَدَتْ لَهُمَا سَوَاتِهِمَا وَ طَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلِيمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ ...؛ چون از آن درخت تناول کردند زشتی‌هایشان آشکار شد و بر آن شدند تا از برگ درختان بهشت ، خود را بپوشانند...» (سوره اعراف _ ۲۲)

در تفسیر آیه فوق آمده است که آدم و حوا علیه‌السلام ، قبل از ارتکاب این خلاف ، برهنه نبودند بلکه پوششی داشتند که در قرآن ، نامی از چگونگی این پوشش برده نشده ، اما هر چه بوده نشانه‌ای بر شخصیت آدم و حوا و احترام آنها محسوب می‌شده که بانافرمانی، از اندامشان فرو ریخته است.

به این ترتیب خوردن از میوه ممنوعه توسط آدم و حوا علیه‌السلام صرف نظر از فلسفه و حکمت آن در نظام آفرینش ، نخستین تحولی که در آنها بوجود آورد، این بود که آنها در حریم «ستر» و عفاف با حقیقت برهنگی روبرو کرد و بلافاصله با برگ درختان بهشت خود را پوشانند. این واقعیت تاریخی به سادگی نشان می‌دهد که حجاب و پوشش بعنوان یکی از مظاهر حیا و عفت ، امری فطری و طبیعی بوده و برای تامین سلامت روح و روان فرد و جامعه از کمال اهمیت برخوردار است.

فلسفه حجاب از دیدگاه قرآن کریم

قرآن کریم وقتی درباره حجاب سخن می‌گوید می‌فرماید : حجاب عبارت است از احترام گذاردن و حرمت قائل شدن برای زن که نامحرمان او را از دید و جنبه حیوانی ننگرند و این حرمت را مخصوص زنان مسلمان دانسته ، لذا نظر کردن به زنان غیر مسلمان را ، بدون قصد تباهی جایز می‌داند و علت آن این است که زنان غیر مسلمان از این حرمت بی‌بهره‌اند.

قرآن کریم وقتی مسئله لزوم حجاب را بازگو می‌کند علت و فلسفه ضرورت حجاب را چنین بیان می‌فرماید: «ذلک آدنی آن یَعْرِفَنَّ قَلًا یُؤْذِنُ» (سوره احزاب _ ۵۹) برای اینکه شناخته نشوند و مورد اذیت واقع نگردند» چرا که آنان تجسم حرمت و عفاف جامعه هستند و حرمت دارند.

حجاب حق الهی

شبهه‌ای که در ذهنیت بعضی افراد هست این است که خیال می‌کنند حجاب برای زن محدودیت و حصار است که خانواده برای او بوجود آورده و بنابراین حجاب نشانه ضعف و محدودیت زن است. راه حل این شبهه در بینش قرآن کریم این است که زن باید کاملاً درک کند که حجاب او تنها مربوط به خود او نیست تا بگوید من از حق خودم صرف نظر کردم همچنین مربوط به مرد هم نیست تا مرد بگوید من راضیم ، و همینطور مربوط به خانواده نیست تا اعضای خانواده رضایت دهند، حجاب زن حق الهی است.

حرمت زن اختصاص به خود زن دارد نه شوهر و نه خانواده ، همه اینها اگر رضایت بدهند قرآن راضی نخواهد بود چون حرمت زن به عنوان حق الله مطرح است و خدای سبحان زن را با سرمایه عاطفه آفرید که معلم رقت باشد و پیام عاطفه بیاورد و اگر جامعه‌ای این درس رقت و عاطفه را ترک نمودند و به دنبال غریزه و شیوه رفتند به همان فساد مبتلا می‌شود که در غرب ظهور کرده. لذا کسی حق ندارد بگوید من به نداشتن حجاب رضایت دادم.

زن به عنوان امین حق الله از نظر قرآن مطرح است یعنی این مقام و این حرمت و حیثیت را خدای سبحان که حق خود اوست به زن داده و فرموده این حق مرا تو به عنوان امانت حفظ کن آنگاه جامعه به صورتی در می آید که قرآن در آن حاکم است. جامعه‌ای که قرآن در او حاکم است، جامعه عاطفه است و سرش این است که نیمی از جامعه را معلمان عاطفه به عهده دارند و آنها مادران هستند و ما چه بخواهیم، چه نخواهیم، چه بدانیم و چه ندانیم اصول خانواده درس رافت و رقت می‌دهد و رافت و رقت در همه مسائل کارساز است.

در قرآن مجید بیش از ده آیه در مورد حجاب و حرمت نگاه به نامحرم وجود دارد.

یکی از این آیات، آیه ۵۹ سوره احزاب است: «یا ایهاالنبی قل لازواجک و بناتک و نساءالمؤمنین یدنین علیهن من جلابیبهن ذلک ادنی ان یعرفن فلا یؤذین و کان الله غفورا رحیما» (ای پیامبر، به زنان و دخترانت و نیز به زنان مؤمنین بگو خود را بپوشانند تا شناخته نشوند و مورد اذیت قرار نگیرند. و خداوند بخشنده مهربان است.)

جلاب به معنای یک پوشش سراسری است؛ یعنی زن باید همه اندامش پوشیده باشد تا همچون گلی لطیف از دسترس هوسرانان مصون و محفوظ باشد.

در سوره نور آیه ۳۱ نیز مفصلا در مورد حجاب و حرمت نگاه به نامحرم سخن به میان آمده است.



حجاب چشم

قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ (نور؛ ۳۰) ای رسول ما به مردان مؤمن بگو تا چشم‌ها را از نگاه ناروا بپوشند.

قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ (نور؛ ۳۱) ای رسول به زنان مؤمن بگو تا چشم‌ها را از نگاه ناروا بپوشند.

حجاب در گفتار

نوع دیگر حجاب و پوشش قرآنی، حجاب گفتاری زنان در مقابل نامحرم است:

قَلَّا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ قَيْطَمَعِ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ (احزاب؛ ۳۲) پس زنهار نازک و نرم با مردان سخن نگویند؛ مبادا آن که دلش بیمار (هوا و هوس) است به طمع افتد.

حجاب رفتاری

نوع دیگر حجاب و پوشش قرآنی، حجاب رفتاری زنان در مقابل نامحرم است. به زنان دستور داده شده است به گونه‌ای راه نروند که با نشان دادن زینت‌های خود باعث جلب توجه نامحرم شوند

وَلَا يَضْرِبْنَ يَأْرُجْلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ (نور؛ ۳۱) و آن طور پای به زمین نزنند که خلخال و زیور پنهان پاهایشان معلوم شود.

از مجموع مباحث طرح شده به روشنی استفاده می‌شود که مراد از حجاب اسلامی، پوشش و حریم قایل شدن در معاشرت زنان با مردان نامحرم در انحای مختلف رفتار، مثل نحوه‌ی پوشش، نگاه، حرف زدن و راه رفتن است. بنابراین، حجاب و پوشش زن نیز به منزله‌ی یک حاجب و مانع در مقابل افراد نامحرم است که قصد نفوذ و تصرف در حریم ناموس دیگران را دارند. همین مفهوم منع و امتناع در ریشه‌ی لغوی عفت نیز وجود دارد؛

حجاب و عفت

دو واژه‌ی «حجاب» و «عفت» در اصل معنای منع و امتناع مشترک‌اند. تفاوتی که بین منع و بازداری حجاب و عفت است، تفاوت بین ظاهر و باطن است؛ یعنی منع و بازداری در حجاب مربوط به ظاهر است، ولی منع و بازداری در عفت، مربوط به باطن و درون است؛ چون عفت یک حالت درونی است، ولی با توجه به این که تأثیر ظاهر بر باطن و تأثیر باطن بر ظاهر، یکی از ویژگی‌های عمومی انسان است؛ بنابراین، بین حجاب و پوشش ظاهری و عفت و بازداری باطنی انسان، تأثیر و تأثر متقابل است؛ بدین ترتیب که هرچه حجاب و پوشش ظاهری بیشتر و بهتر باشد، این نوع حجاب در تقویت و پرورش روحیه‌ی باطنی و درونی عفت، تأثیر بیشتری دارد؛ و بالعکس هر چه عفت درونی و باطنی بیشتر باشد باعث حجاب و پوشش ظاهری بیشتر و بهتر در مواجهه با نامحرم می‌گردد.

حجاب زنان سالمند

قرآن مجید به شکل ظریفی به این تأثیر و تأثر اشاره فرموده است. نخست به زنان سالمند اجازه می‌دهد که بدون قصد تبرج و خودنمایی، لباس‌های رویی خود، مثل چادر را در مقابل نامحرم بردارند، ولی در نهایت می‌گوید: اگر عفت بورزند، یعنی حتی لباس‌هایی مثل چادر را نیز بر ندارند، بهتر است.

وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّائِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَّهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ. (نور؛ ۶۰)

علاوه بر رابطه‌ی قبل، بین پوشش ظاهری و عفت باطنی، رابطه‌ی علامت و صاحب علامت نیز هست؛ به این معنا که مقدار حجاب ظاهری، نشانه‌ای از مرحله‌ی خاصی از عفت باطنی صاحب حجاب است. البته این مطلب به این معنا نیست که هر زنی که حجاب و پوشش ظاهری داشت، لزوماً از همه‌ی مراتب عفت و پاکدامنی نیز برخوردار است.

آیا حجاب مانع همه بزهکاری‌های اجتماعی است؟

با توجه به همین نکته، پاسخ این اشکال و شبهه‌ی افرادی که برای ناکارآمد جلوه دادن حجاب و پوشش ظاهری، تخلفات بعضی از زنان با حجاب را بهانه قرار می‌دهند آشکار می‌گردد؛ زیرا مشکل این عده از زنان، ضعف در حجاب باطنی و فقدان ایمان و اعتقاد قوی به آثار مثبت حجاب و پوشش ظاهری است و قبلاً گذشت که حجاب اسلامی ابعادی گسترده دارد و یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین ابعاد آن، حجاب درونی و باطنی و ذهنی است که فرد را در مواجهه با گناه و فساد، از عقاید و ایمان راسخ درونی برخوردار می‌کند؛ و اساساً این حجاب ذهنی و عقیدتی، به

منزله‌ی سنگ بنای دیگر حجاب‌ها، از جمله حجاب و پوشش ظاهری است؛ زیرا افکار و عقاید انسان، شکل دهنده‌ی رفتارهای اوست.

البته، همان‌گونه که حجاب و پوشش ظاهری، لزوماً به معنای برخورداری از همه‌ی مراتب عفاف نیست، عفاف بدون رعایت پوشش ظاهری نیز قابل تصور نیست. نمی‌توان زن یا مردی را که عریان یا نیمه عریان در انظار عمومی ظاهر می‌شود عقیف دانست؛ زیرا گفتیم که پوشش ظاهری یکی از علامت‌ها و نشانه‌های عفاف است، و بین مقدار عفاف و حجاب، رابطه‌ی تأثیر و تأثر متقابل وجود دارد. بعضی نیز رابطه‌ی عفاف و حجاب را از نوع رابطه‌ی ریشه و میوه دانسته‌اند؛ با این تعبیر که حجاب، میوه‌ی عفاف، و عفاف، ریشه‌ی حجاب است. برخی افراد ممکن است حجاب ظاهری داشته باشند، ولی عفاف و طهارت باطنی را در خویش ایجاد نکرده باشند. این حجاب، تنها پوسته و ظاهری است. از سوی دیگر، افرادی ادعای عفاف کرده و با تعبیری، مثل «من قلب پاک دارم، خدا با قلب‌ها کار دارد»، خود را سرگرم می‌کنند؛ چنین انسان‌هایی باید در قاموس اندیشه‌ی خود این نکته‌ی اساسی را بنگارند که درون پاک، بیرونی پاک می‌پروراند و هرگز قلب پاک، موجب بارور شدن میوه‌ی ناپاک بی‌حجابی نخواهد شد.

به مناسبت هفته عفاف وحجاب ۱۹-۲۵ تیر ماه سال ۱۳۹۵

کمیته عفاف وحجاب مرکز بهداشت شماره یک